



**شهرت آقای عبدالرزاق اف خیلی زیاد بود. او در تاجیکستان بیش از ۱۰۰ فیلم در دوره شوری سابق بازی کرده بود و بازیگری شناخته شده در این کشور محسوب می شد و وقتی ما در تاجیکستان بودیم همه می دانستند مهمان های ایشان هستیم. او از دوران نوجوانی در کار بازیگری بود و روستا به روستا تئاتر کار کرده بود. حتی خود او نیز در شهر دوشنبه مجموعه تئاتری داشت که همراه همسر و دیگر اعضای خانواده در آن کار می کردند**

**فاجیه**

ویژه نامه رادیو و تلویزیون روزنامه جام جم  
شنبه ۱۶ اسفند ۹۹ • شماره ۷۴۶

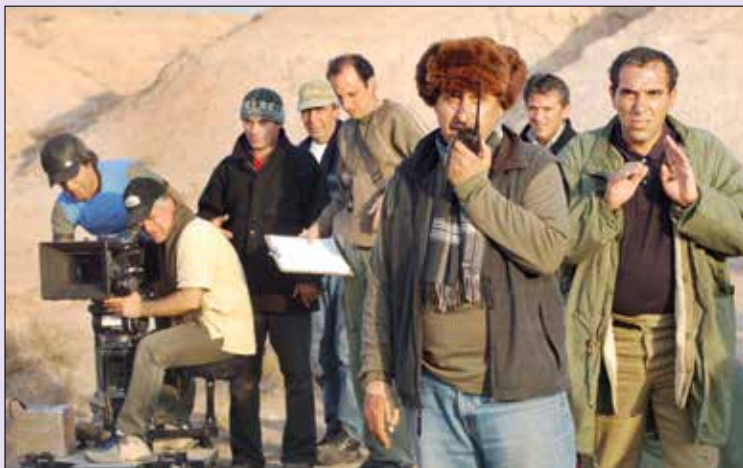
رو در رو

۵

خاطره بازی با خطرات و مشکلات «در چشم باد»

## تلخ و شیرین

از آقای طاهری خواستیم بعد از این همه سال خاطره بازی کند و از گذشته برایمان بگوید. از تلخی ها و شیرینی های سریال در چشم باد. از بازیگران، پیچیدگی های تولید و خلاصه هرچه که در ذهنشان پررنگ تر از بقیه است. ایشان هم لطف کرد و دو مورد خیلی خاص را برایمان مرور کرد.

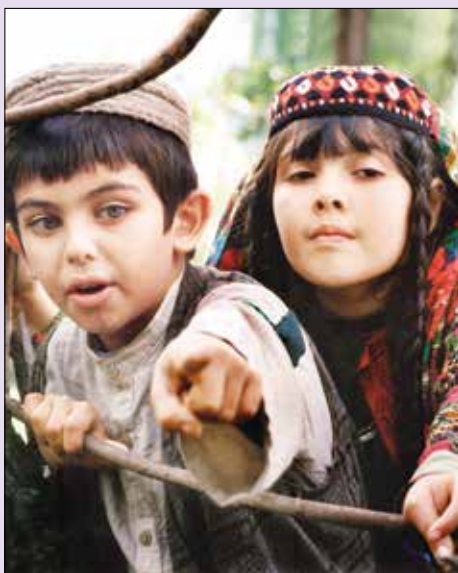


جعفری جوزانی در پشت صحنه سریال «در چشم باد»

خاطرات بسیار است و هر لوکیشنی که در آن کار کردیم پر از خاطره بود. از شروع ساخت وساز و تهیه امکانات و پشتیبانی و تجهیزات تا ورود بازیگرهای جدید تماما باعث شده بود در طول پروژه خاطرات به یادماندنی باقی بماند. تهیه امکانات و پشتیبانی یکی از دشواری های کار در این سریال بود که برای تهیه آنها ممکن بود زمان زیادی صرف شود.

یادم می آید برای یافتن یک قطار قدیمی زمان زیادی گذاشتیم چون آقای جوزانی اصرار داشت قطار مدنظرش را که در یک عکس بود پیدا کنیم که بالاخره بعد از گشتن بسیار قطاری شبیه آنچه ایشان می خواست را در یک پارکینگ متروکه در آذربایجان پیدا کردیم.

مجاز گرفته شد و قطار را آوردند تا آن قطار متروکه با همان شکل و شمایل استفاده شود. هوایمایی که قرار بود به شکل واقعی اعلامیه پخش کند هم جزو کارهای دشواری بود که به خوبی انجام گرفت. پروازها هم باید به صورت واقعی صورت می گرفت و در جاده و رامین از هوایمهای تک ملخه استفاده می شد و بازیگرها در حد خلبان باید توانایی خود را در مقابل دوربین به معرض نمایش درمی آوردند.



خاطره دیگری که به یاد دارم از بیتا توکلی، بازیگر خردسالی است که در آن زمان نقش کودکی لیلی را بازی می کرد و بعد از آن ستاره صفراوه نقش بزرگسالی لیلی را عهده دار شد. به یاد دارم شهریور ۸۴ بیتا، خانم صفراوه را در حیاط «خانه سمندون» دید و به سمت او دوید او را در آغوش گرفت و بوسید و از زیبایی اش تعریف کرد و بسیار خوشحال بود که بزرگسالی اش را ایشان بازی می کند.

او در آن زمان مسافر بود و به خاطر این که مادرش از کما بیرون آمده بود، تصمیم گرفت برای ادای دین همراه پدر و مادرش به مشهد برود که متاسفانه در راه برگشت از مشهد تصادف سختی می کنند و هر سه جان خود را از دست می دهند.

این اتفاق ضربه بسیار سنگینی به ما وارد کرد و از طرف دیگر هنوز کار ما با کودکی لیلی تمام نشده بود. برای همین هم به مدیر گروه کودک پیشنهاد دادیم به ما کمک کند و در شبکه یک عکسی شبیه ایشان را فراخوان دادیم تا دختر بچه های همسن و سال و شبیه بیتا که علاقه به بازی دارند بیایند تا از بین آنها انتخاب شوند. طبیعتا با فاصله دورتر این نقش را کس دیگری بازی کرد و بیننده ها متوجه این تغییرات پیش آمده نشدند.



حسین طاهری این روزها درگیر ساخت سریال «اسلمان» است / عکس: مهر

یک بازیگر ویژه و خاص بود و رنگ و لعاب خوبی به پروژه داد. یادم هست آن زمان به ما می گفت من بروم دیگر ما را فراموش خواهید کرد. البته که فراموش نشد؛ اما متاسفانه نشد که چنین همکاری هایی ادامه داشته باشد و این سریال هم در کشور تاجیکستان پخش نشد. در صورتی که در دوره ای می شد این کشور هم سریال را ببیند و عبدالرزاق اف هم خیلی دوست داشت این سریال در کشورش دیده شود. حتی دوست داشت که باز هم در آثار ایرانی حضور داشته باشد و این پل ارتباطی باقی بماند که از این موضوع هم غفلت شد.

**چرا سریال در چشم باد در تاجیکستان پخش نشد؟**

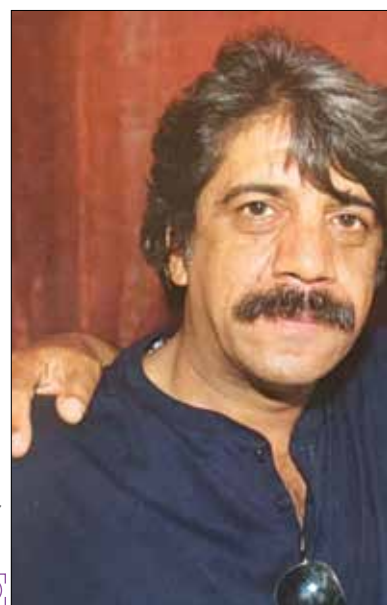
کم همتی مقامات دولتی بود. چون در آن سال ها می توانست با یک ارتباط محلی یا درخواست وزارت خارجه، با رایزنی فرهنگی یا درخواست و سیمما... این اتفاق رخ دهد. برای همین فکر می کنم در این زمینه سستی صورت گرفت. شرایط خوبی بود و تلویزیون تاجیکستان هم قطعاً از آن استقبال می کرد. چون کار مشترک بسیار خوبی بود. تقریباً شش بازیگر تاجیک در این سریال حضور داشتند و بازی بسیار خوبی هم از خودشان به نمایش گذاشتند. متاسفانه این سریال پخش نشد و تداومی در این زمینه صورت نگرفت.

**در زمان کار حبیب... عبدالرزاق اف را چطور دیدید؟ رابطه ایشان با سایر عوامل این سریال به چه صورت بود؟**

او با همه رابطه دوستانه ای داشت و از کسانی مانند کامبیز دیرباز، پارسا پیروزفر، سعید نیکپور و... بپرسید آنها هم از رابطه گرم و صمیمانه او خواهند گفت. او یک رفیق تمام و کمال بود. حیف شد او را از دست دادیم و نتوانستیم از توانایی های چنین بازیگری بهتر و بیشتر استفاده کنیم.

**سریال به یادگار بگذارد. ایشان چطور به این پروژه اضافه شد؟**

اقتضای قصه از نظر آقای جوزانی ایجاب می کرد از بازیگرهای تاجیک استفاده کند. برای همین هم پس از جست و جوی بسیار توانست به آقای حبیب... عبدالرزاق اف و لطافت یوسفی برسد و از آنها برای همکاری دعوت به عمل آورد. نکته مهم در این باره شهرت آقای عبدالرزاق اف بود که در تاجیکستان بیش از ۱۰۰ فیلم در دوره شوری سابق بازی کرده بود و بازیگری شناخته شده در این کشور محسوب می شد و وقتی ما در تاجیکستان بودیم همه می دانستند مهمان های ایشان هستیم. او از دوران نوجوانی در کار بازیگری بود و روستا به روستا تئاتر کار کرده بود. حتی خود او نیز در شهر دوشنبه مجموعه تئاتری داشت که همراه همسر و دیگر اعضای خانواده در آن کار می کردند. برای همین هم عبدالرزاق اف تقریباً



تصویری از عبدالرزاق با محاسن سپید شده